

تأثیر طراحی المان های شهری بر مبنای نشان و فرهنگ شهری در جهت توسعه پیگره شهری

مجتبی هاشم نژاد سراجی لو

مدرس گروه معماری، دانشگاه فنی و حرفه‌ای شهید چمران اهر، ایران، اهر

a.rezai1358@gmail.com

ارسال: اردیبهشت ۹۷ پذیرش: تیر ۹۷

چکیده

نشانه‌ها و یادمان‌های شهری در طول تاریخ یکی از مهمترین شاخصه‌های معمارانه جهت شناسایی محیط و خوانایی شهرها به شمار می‌رفت و از تأملات و تدقیقات ویژه‌ای در میان ساکنان برخوردار بوده است. لکن امروزه به دلیل عدم مطالعات کافی و توجه مناسب، کمتر به نحوه ارتباط تکوین بصری این پدیده با انتظام فضایی شهر و روند توسعه و دگرگونی آن در شهرسازی پرداخته می‌شود. البته کثیری از شهرهای تاریخی کشور به‌عنوان تبلور کالبدی این دگرگونی‌ها از این دگردیسی بازمانده است و به ناچار روابط کالبدی - فضایی تازه و مفهومی جدید از شهروندی را مطرح می‌کند. این عناصر، که ریتم شهری را کنترل و ویژگی خود را در شهر منعکس می‌کردند؛ اکنون افق شهری محددی که برجسته‌ترین نقاط آن، ساختمان‌های یادمانی بود، جای خود را به منحنی مقعر داده است که در زیر آن، ساختمان‌های مذکور به ابنیه‌ای کوتاه و بی‌اهمیت بدل گشته‌اند. لکن این دگرگونی‌ها بیش از آنکه ماهوی باشد، عرضی بوده‌اند و سبب گشته آنچه فضای شهری عرضه می‌دارد با آنچه شهروند طلب می‌کند در تعارض قرار گیرد. لکن، به مدد شالوده نمادین شهر، می‌توان یک شبکه ارتباطی شکل‌پذیر ایجاد نمود که در آن جریانی مداوم از انرژی و اطلاعات بصری برقرار باشد. بر مدار این سخن و به استقبال از این خلأ علمی، نوشتار حاضر قصد دارد در مقیاسی معطوف به تبیین نحوه آفرینش و گسترش این عناصر معماری، به بیان نقش این نشانه‌ها در شهرها پرداخته و نقش آن را بر کیفیت ادراک شهروندان از فضا در چهارچوب معماری ایران تبیین نماید. یافته‌های پژوهش ضمن آنکه از پرسش اصلی مقاله، یعنی چگونگی تکوین کالبدی فرآیند نشان‌سازی در شهر در طی فرآیند شکل‌گیری استخوانبندی آن ابهام‌زدایی می‌نمایند؛ در تبیین گوشه‌هایی از بازتاب آن در توسعه پیگره شهری نیز مفید می‌باشند.

کلمات کلیدی: نشانه‌های شهری، هویت کالبدی، تصویر ذهنی، آفرینش اثر معماری

۱- مقدمه

یکی از ساختارهای هویت‌بخش به سیمای کالبدی شهرهای تاریخی ایران، مجموعه‌ها و یادمان‌های تاریخی است که به سبب خصوصیات کالبدی و نمادین خود و واقعه‌ها و حادثه‌های جاری در آن همواره هویت‌بخش بوده و مؤجد خاطرات فردی و جمعی در اذهان افراد و جامعه شهری است. لکن بررسی وضعیت شهرهای کشور و تحولاتی که در طی چند دهه اخیر تاکنون رخ نموده، مبین این نکته است که در سرزمین ما، مفهوم شهر امروزی، و تلقی ما از کیفیت معمارانه آن بکلی با معنی و مفهوم شهر در گذشته فرق کرده است. البته این

موقعیت، نافی کیفیت ژرف اندیشانه ساختارهای معمارانه گذشته و برخی عناصر معماری امروزی در حوزه نظام فضایی معماری شهری نمی‌شود. لذا با در نظر گرفتن این مهم؛ و اینکه محیط و فرهنگ بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ معنایی که محیط و ویژگی‌های کالبدی ساخته‌های انسان به انسان القاء می‌نمایند، آن دسته از اصول و ارزش‌های فرهنگی و جهان‌بینی جامعه می‌باشد و شکل‌دهنده محیط بوده‌اند. آنچه ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان می‌نماید در شرایطی نهفته است که امروزه جوامع مختلف و از جمله جامعه ایرانی، با آن دست به گریبان هستند امروزه عرصه‌های جمعی، فضاهای شهری و بافت‌ها، یادمان‌ها، محوطه و مناظر تاریخی و در مجموع نشانه‌های شهری کهنیا از میان رفته‌اند و یا چهره از کف داده‌اند. اغتشاش بصری در محیط شهری و شکل‌گیری فضاهای گمشده و بی‌هویت، که فاقد عناصر بازگو کننده پیشینه و یا ارزش تاریخی و زیبایی‌شناختی آن باشد، به امری عام تبدیل گشته است و این دوگانگی زبان عالم معماری سنتی بازبان معماری روزایران؛ موجب نوعی دیرفهمی یا سختهفهمی مضامین و مفاهیم در حوزه معماری شده است. با این حال، در اطوار مختلف تاریخی، بدون تردید معماری تنها به لحاظ فرمی و حتی عملکردی حائز اهمیت نبوده، بلکه نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. شاید به همین دلیل بحران مکان به مفهوم بحران معنی اجتماعی از فضا و زمان، به یکی از بارزترین مشکلات شهرسازی معاصر تبدیل شده است (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۲). و تاکنون از تأملات و تدقیقات مکفی برای شناخت معمارانه برخوردار نبوده است. بر مدار این سخن و به استقبال از این خلأ علمی، نوشتار حاضر قصد دارد در مقیاسی معطوف به تبیین نحوه آفرینش نشانه‌های شهری در ارتباط با انتظام فضایی شهر و مشخص ساختن ویژگی‌های کالبدی و معنایی آن‌ها در شهر که در نقشه‌های ادراکی شهروندان و نیز اذهان مردم به منظور خوانایی بافت شهری، اهمیت دارند؛ گام بردارد. هدف این نوشتار ابهام‌زدایی از نحوه پویایی نشان‌های شهری، تحت تأثیر نظام شهرسازی که برآیندی از ارزش‌های فرهنگی اقشار مختلف جامعه است، می‌باشد. فهم اینکه آفرینش و استمرار کالبدی این عناصر ادوار مختلف تاریخی چگونه بود، پرسش اصلی این بحث می‌باشد. همانگونه که پیشتر آمد، مسأله پژوهش در بستر تاریخی مطرح است، پس بدیهی است برای حصول پاسخ‌های مناسب، روش توصیفی - تاریخی جهت انجام این پژوهش انتخاب شده است. در برخورد با متون نیز بیشتر تحلیل محتوا و تفسیر ساختار معمارانه در گستره شهری و نظام طراحی آن مطلوب نظر است.

۲- اهداف تحقیق

- هدف کلی: بررسی نحوه آفرینش و گسترش المان‌های شهری بر مبنای شاخصه‌های هویت شهری
- اهداف جزئی: بررسی نقش ادراک شهروندان از فضا در چهار چوب هویت شهری
- تعیین ارتباط تکوین بصری المان‌های شهری با انتظام فضاهای شهر و روند توسعه و دگرگونی آن در شهرسازی
- تعیین نحوه آفرینش المان‌های شهری در ارتباط با انتظام فضای شهری
- مشخص کردن ویژگی کالبدی و معنایی المان‌های شهری و ارتباط با ادراک شهروندان از دیدگاه هویت شهری
- بررسی نقش المان شهری جهت شناسایی محیط و خوانایی شهر

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. بدین ترتیب که داده‌های مورد نیاز در پژوهش، بیشتر تحلیل محتوا تعبیر ساختار المان و همچنین هویت شهری در نظام طراحی آن مطلوب نظر می‌باشد.

۳-۱- روش گرد آوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه ای و غیره)

مطالعات به هر دو صورت میدانی و غیر میدانی (کتابخانه ای) می باشد.

در روش غیر میدانی با مراجعه به کتابخانه و سایت های اینترنتی به بررسی اسناد موجود و مطالعات انجام شده در زمینه المان های معماری و هویت شهری و عوامل تاثیر گذار در طراحی فضای شهری می باشد پرداخته می شود و علاوه بر مطالعات پایه ای نمونه های موردی در این موضوع بررسی می شود تا معیارها و راهکارهای موجود در آنها تعیین گردد و زمینه را برای نوآوری در طراحی فراهم کند. در مطالعات میدانی با مراجعه به سایت پروژه اطلاعات مورد نیاز از طریق مشاهده و عکس برداری تهیه می شود. همچنین اطلاعات مربوط امکانات بومی منطقه که در منابع کتابخانه ای وجود ندارد از طریق مراجعه به سازمان های مربوطه و با مصاحبه با افراد مطلع براساس هویت منطقه و ادراک شهروندان به دست می آید.

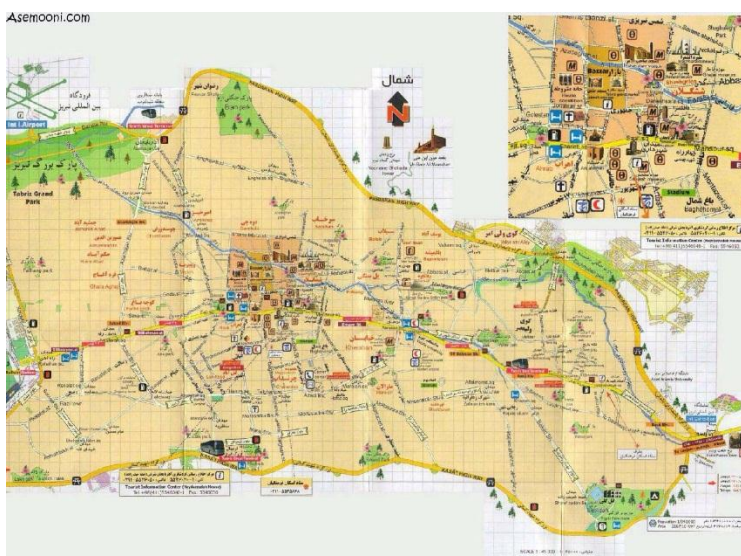
۳-۲- ابزار گرد آوری اطلاعات

پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده، آزمون، سنجش، جدول، نمونه برداری، تجهیزات آزمایشگاهی و بانک اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری و ماهواره ها و غیره. از طریق مشاهده و مصاحبه و همچنین شبکه های اینترنتی و در صورت لزوم از پرسشنامه استفاده می شود. همچنین استفاده

از برنامه کامپیوتری مانند: 3Dmax-GIS-SPSS- Excel -Autocad

۳-۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

مراحل پژوهش به صورت مطالعات پایه و مطالعات در زمینه هویت و نشان های شهری و ادراک شهروندان بررسی داده های آماری انجام شده را تجزیه و تحلیل کرده و با انجام آزمون های پارامتریک SPSS شود. با استفاده از Excel و ناپارامتریک اطلاعات را بررسی میکنیم و با استفاده از برنامه داده های به دست آمده را تبدیل به نمودار نموده و بعضی محاسبات آماری انجام داده خواهد شد. فضاهای داخل شهر را شناسایی نموده جاهای مطلوب را مکان یابی می نماییم GIS با استفاده از برنامه در نهایت به مرحله تصمیم گیری و ارائه طرح با توجه به مطالعات قبلی پرداخته و بعد از آن ارائه ماکت های اتود و الترناتیو های طراحی، طرح نهایی با نرم افزار کامپیوتری ارائه می شود.



شکل ۱- نقشه جغرافیایی شهر تبریز

۴- مروری بر ساختار بصری و مفهومی نظام فضایی شهر

اعتبار مکان‌های مختلف شهر، تابعی از پیشینه آن مکان‌ها و به عبارت دیگر سابقه تاریخی آنهاست. وجود آثار تاریخی به همراه کیفیت و عملکرد آنها از جهات متعددی در چگونگی برخورد در طراحی و تبیین ارزشهای ماهوی و حفاظت از آنها تاثیرگذار است. این آثار در تعریف هویت شهر در فرآیند ادراک بصری شهروندان تاثیرگذار هستند. آثار به جای مانده از پیشینیان چه در حوزه معماری و چه در حوزه‌های دیگر فرهنگی، به منزله برگ‌های شناسنامه یک تمدن هستند که نه تنها هویت، بلکه نحوه زیست، شیوه تفکر و به طور کلی تاریخ آن تمدن را بازگو می‌کنند. هر ملتی با اتکا به شناسنامه تمدن خود و آموختن از ماحصل تجربه پیشینیان و اسلاف خویش می‌تواند افق‌های گسترده‌تری را فراروی خود ببیند. روشن است که حفاظت و صیانت از برگ‌های این شناسنامه از ضروریات حفظ فرهنگ و تمدن یک جامعه است.

در بررسی مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی، و در پی آن بازتاب کالبدی آنها در شهرسازی کشورمان، همواره این موضوع کاملاً روشن است که برخلاف روند تحولات تمدن در غرب، فرهنگ و تمدن این سرزمین در زمان حضور اسلام عمیقاً از مذهب و اندیشه‌های معنوی ناشی از آن متأثر بوده و دستمایه‌های این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را به هیبتی تام و تمام در شهرسازی تجلی بخشیده است (وحدتی‌اصل، ۱۳۸۰: ۴). لکن گسست تاریخی روزگار معاصر از سیر تکامل دستاوردهای پیشکسوتان معماری از آستانه نخستین تحولات نوگرایی در کشور ما موجب تولید فضایی ناخوانا در شهرهای معاصر گردیده است و شهرسازی نابه‌نجاری، از زمینه‌های پیوند شکل یافته و ارگانیک خود با گذشته‌اش، جای آن را گرفت. در این میان عدم شناخت و درک ساختار اصلی شهر و عدم تلاش مستمر در حفظ، احیاء و ساماندهی آن، موجب بروز لطمات فراوانی به ارزش‌های نهفته در شهر و الگوی شهرسازی سنتی آن گردیده است، که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم موجب شد تا رویه و توالی منطقی زندگی انسان‌ها وارد مرحله تازه‌ای گردد. مرحله جدید، یافته‌ها و اندوخته‌های گذشته بشری را به چالش جدی فراخواند؛ یافته‌هایی که برای بشر در طول زندگی توأم با تعامل طبیعت و محیط پیرامون بدست آمده بود و نگاهی متفاوت با نگاه امروزی به انسان می‌داد در نتیجه، دیگر انسان امروزی قادر به درک نگاه سنتی نمی‌شد. به بیانی دیگر، بستر طبیعی همواره شکل‌دهنده کانون‌هایی تمدنی با ارزش‌های والای فرهنگی است. در صورت برهم زدن روابط شکل گرفته بین منظر طبیعی و منظر تاریخی هر سرزمین، ارزش‌های نهفته در هر سو دچار مخاطره می‌گردند. یکی از این شاخص‌ها و نشانه‌هایی که از گزند این چالش‌ها در امان نماند بناها و آثار تاریخی هستند. آثاری که روابطش ریشه‌های عمیقی در ابعاد انسانی دارد و علی‌رغم بسیاری از ناملايمات، در دو قرن گذشته توانسته‌اند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه مدرن و بعد از مدرن باشند؛ شناخت، حفظ، تبیین شاخصه‌های بصری و نگهداری از آنها می‌تواند ما و آیندگان را با استناد به هویت و تجارب گذشتگان، از پراکندگی‌های حال گذر داده و به سمت آینده‌ای کم‌خطراتر رهنمون باشد و نشانه‌ای از زندگی همراه با طبیعت انسان را نشان دهد. البته هر اثری متناسب با ارزش‌هایی که دارد، نقش و ظرفیتی متفاوت با درجه کیفی متناسب با ارزش‌های خود در جامعه خواهد داشت. بدین ترتیب، مفهوم یادمان یا همان نشان شهری هم دربرگیرنده تک اثر معماری است و هم موقعیت‌های شهری یا روستایی‌ای که در آنها شاهدهی از تحولی مهم، یا واقعه‌ای تاریخی یافت شده‌است. این امر هم درباره آثار بزرگ هنری مصداق دارد و هم درباره آثار معمولی‌تر که در گذشت زمان، اهمیت فرهنگی کسب کرده‌اند.

۵- مفهوم نشان شهری

فضاهایی که سبب رونق حیات اجتماعی و فرهنگی شهر شده و به تبع آن اساسی‌ترین نیاز انسان، یعنی نیاز به زندگی اجتماعی و کنش متقابل را مرتفع خواهند نمود، چنین فضاهایی امکان کالبد یافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مشارکت مردمی را تسهیل می‌نماید. این مکان‌ها به سبب خصوصیات کالبدی و نمادین خود و واقعه‌ها و حادثه‌های جاری در آن، هویت‌بخش بوده و مؤجد خاطرات فردی و جمعی در اذهان افراد و جامعه شهری است. بر این منوال، توسط رابطه ادراکی که بین انسان و چنین محیطی برقرار می‌شود، محیط معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القاء نموده و در نتیجه ارزش‌هایی را نیز متذکر و یادآور می‌شود. در حقیقت عناصر اصلی استخوانبندی شهر که همان شبکه نمادین شهر را شکل می‌دهند، ابزارهای هویت دهنده و نقاط عطفی در سطح شهر هستند که با سازمان فضایی خاص خود در ایجاد خاطره ذهنی از شهر و خوانایی آن به کار می‌آیند. در حالیکه در گذشته، کالبد شهر توازن و تعادل و مقیاسی انسانی و از همه مهم‌تر معنوی را به انسان القاء می‌نمود، محیط شهری امروز القاء‌کننده بی‌نظمی، فشار روانی، ناهماهنگی، بی‌تناسبی و از همه مهم‌تر سیطره مادیت و کمیت بر زندگی انسان است. اما آنچه که در تمامی تعاریف مطرح شده در مورد نشانه‌های شهری مشترک به نظر می‌رسد، این است که تمامی تعریف‌کنندگان، آنها را عناصر، بنا یا قسمتی از بنا می‌دانند که مکانی را علامت‌گذاری می‌کند و به‌عنوان نقطه مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرند. این مفهوم الزام برجستگی یا تمایز عارضه‌ای در مکان یا منظر معین را برای نشانه بودن مطرح می‌کند. نهایتاً آنچه ما آن را مبانی نظری در این بحث می‌نامیم (وحدت، تسلسل، تناسب، مقیاس و...) در جذب بیننده تأثیر بسزایی دارد و می‌تواند او را به تحسین وادارد.

۶- رویکرد انسانی در شکل‌دهی نشان‌های شهری در روند توسعه شهر

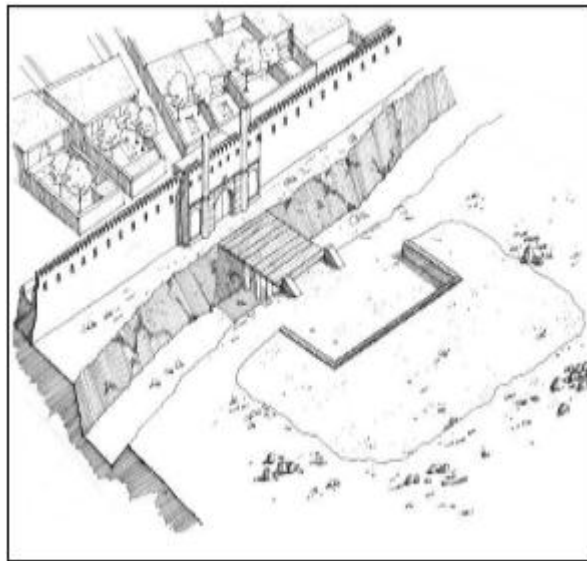
بافت کالبدی شهر، بازتاب و مظهر مجسم و عینی تأثیرات پیچیده و متقابل عوامل و نیروهای متعدد، و تغییر و تحولات آن در طول زمان است. بر این مدار، شهر امروزی با تحولات نوگرایانه‌اش، به عنوان یک «شهر - مکان» هنوز هم دارای قابلیت‌های بسیاری است که با تلاشی مستمر می‌تواند به «شهر - زمان» و شهر «زنده فضا» تبدیل گردد و خاطره‌های گذشته را زنده کند. هسته قدیمی شهر در مقاطع مختلف زمانی، مکان تبلور انگاره‌های جدید منطبق بر زمان بوده است. لیکن دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی - سیاسی دو سده اخیر به شکل جدیدی از روابط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی در معنای عام آن انجامیده است و شهر به عنوان تبلور کالبدی این دگرگونی‌ها از این دگرگونی بازمانده است و به ناچار روابط کالبدی - فضایی تازه و مفهومی جدید از شهروندی را مطرح می‌کند. معالاسف از آنجا که این دگرگونی‌ها بیش از آنکه ماهوی باشد، عرضی بوده‌اند و نه در اثر عوامل درون‌سر بلکه به سبب تحول عناصر برون‌سر رخ داده‌اند، بنابراین آنچه فضای شهری عرضه می‌دارد با آنچه شهروند طلب می‌کند در تعارض قرار می‌گیرد (۷). البته اگر به این نکته کلیدی توجه کنیم که رابطه معماری با سرزمینی که در آن پدید می‌آید، همان رابطه‌ای است که انسان با آداب، رسوم، سنت‌ها و در حقیقت با فرهنگ خویش دارد، به این نتیجه خواهیم رسید که انسان منقطع و محروم از چنین فرهنگی فقط می‌تواند یک معماری بی‌ریشه و بی‌هویت را پدید آورد.

نشانه‌های شهری همواره در طول تاریخ به‌عنوان ابزاری در جهت سازماندهی به شهرها، قدرت‌نمایی و مواردی از این قبیل به کار برده می‌شدند. هر شهر یا بخشی از آن برای اینکه در ذهن ساکنین خود تصویری واضح ایجاد کند نیازمند این است که ساکنین بتوانند به آسانی اجزای آن را شناسایی نموده و آنها را در ذهن خود در قالبی به هم پیوسته به یکدیگر ارتباط دهد و امکان تشکیل ساختاری کلی

از شهر را در ذهن ایشان مهیا گرداند. مکان‌یابی و نحوه ترکیب بخش‌ها و عناصر اصلی شهر، شالوده‌هایی محکم می‌طلبد تا متضمن توفیق شهر از آغاز استقرار و در مراحل رشد و تکوین آن شود. هسته کهن و استخوانبندی شهرهای تاریخی ایران عمدتاً مجموعه‌ای است مرکب از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به هم پیوسته از کاربری‌ها و عناصر مختلف و متنوع شهری که شهر را در کلیت آن انسجام می‌بخشد و تار و پودش در همه گستره‌اش تا انتهای‌ترین اجزای آن یعنی محله‌های مسکونی امتداد می‌یابد. این مجموعه، شالوده سازمان فضایی کالبدی شهر و اجزای داخلی آن بوده و مبین خصوصیات کلی شهر است و سایر ساختمان‌ها در شهر همانند پرکننده‌ها، بینابین بخش‌های اصلی این شبکه را می‌پوشانند.



ب) نقشه شهر تبریز با علائم و نشانه‌های ملزوم آن



الف) بازسازی تصویر یکی از دروازه‌های تاریخی ورودی شهر تبریز بعنوان نشان شهری

شکل ۲- نقشه شهر تبریز با علائم معماری

تجربه پدیدارشناختی به معنای تطهیر ذهنی و دستیابی به ذات چیزها به واسطه نمود اشیاء از خلال فرد است که در حس مکان موثر است. بر این مدار، مکان زمانی معنا پیدا می‌کند که درکی حسی از آن صورت گرفته و تصویری ذهنی از خود بجای گذاشته باشد. بر این اساس کنش و خواست انسانی معنی را به نشانه مترتب می‌سازد و نشانه را به یک عنصر تجربه شده تبدیل می‌نماید. به همین ترتیب نشانه می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل بگذارد. با تکیه بر این رویکرد، انسان و مکان دارای شاخصه‌های همانندی همچون خاطره و هویت هستند. انسان می‌تواند هویت پرداز یک مکان باشد و مکان می‌تواند دارای یک هویت انسان‌ساز باشد و این دو برای یکدیگر لازم و ملزوم هم هستند (۶). در این میان عناصر هویت‌بخش شهر نه تنها به علت تأثیر بصری‌شان و ایجاد خاطره و تصاویر ذهنی از شهر اهمیت دارند بلکه در صورت ساماندهی در یک شبکه (استخوانبندی اصلی شهر) قادرند به روابط شهری بین مردم نیز انتظام بخشند. در واقع یک نشانه شهری جزئی از محیط است که برابر شخص ناظر پدیدار می‌گردد و به وی کمک می‌کند تا موقعیت دیگر اجزاء محیط و دیگر مکان‌ها را تعیین کند. بر مدار این سخن و در کنکاشی حول نقش نشان‌های شهری در شهرهای تاریخی ایران، نقش این نشانه را از بعد اجتماعی در حال حاضر با در نظر گرفتن جریان سیال نخله‌ها و گرایش‌های رایج معماری معاصر - وجوه دیگر تأثیرات این نشان‌ها در ادامه بحث طرح گردیده است - چنین می‌توان برشمرد:

- اعتلای ذائقه فرهنگی و اجتماعی شهروندان از طریق مواجهه و حضور در یک المان یا یادمان تاریخی و موجد هویت با بار معنایی متعالی و متأثر از پیشینه شهر.

- بالا بردن سطح اشتیاق و ارادت شهروندان به کنکاش در سازمان فضایی شهر و نظام شهرسازی آن.

- ظرفیت‌سازی و بالا بردن حساسیت‌های عمومی جهت حفظ و حراست از چنین مجموعه‌ها یا عناصر معماری - مصنوعی یا طبیعی - تاریخی در سطح شهر.

- کمک به ابهام‌زدایی از پیشینه تاریخی و کالبدی مجموعه یا المان تاریخی و شهر.

- بازشناسی نقش عناصر اصلی و ساختاری یک شهر از بعد تاریخی تاریخی با توجه به تأثیر متقابل بنا و پیرامون آن بر روی هم.

بر این منوال گستره شهر دارای بافت‌هایی چون قدیمی، سنتی، روستایی، نوبنیاد، طراحی شده، حاشیه‌ای و مجموعه‌ای می‌باشد. در بافت قدیم امروزه شهرهای تاریخی بیشتر به دلیل داشتن موقعیت مرکزی در گذشته، از دیرباز دارای انواع کارکردهای شهری بویژه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی، مذهبی و تفریحی بوده که علاوه بر نیازهای ساکنین خود شهر، نیازهای نواحی دوردست را نیز تأمین می‌نموده است. این کارکردها جریان نشان‌سازی با تکیه بر تجسم بخشیدن به ایدآل‌ها را در شهر به منصفه ظهور رسانید و تسریع بخشید. در نهایت مکان (نشان شهری) را تا نقطه‌ای اعتلاء بخشید؛ که ما ادراکی کامل از هستی و بودن خود داشته باشیم. نهایتاً در بیان کلی، می‌توان چهار نقش بارز را برای نشانه‌های شهری برشمرد که بدین ترتیب می‌باشند:

الف) نشانه‌های شهری بعنوان تدبیر سازماندهی: وضوح و غنای محیط‌های شهری و در سازماندهی آنها، نشانه‌های شهری می‌توانند مجموعه‌ای از عوامل و عناصر را در سطح بالایی از کیفیات ظاهری ارائه نمایند و نقاط عطفی را برای درک روابط فضایی عرضه دارند [۱۶].

ب) نشانه‌های شهری به عنوان ابزار هدایت‌گری: نشانه‌های شهری با استقرار یافتن در مکان‌های مهم و تأکید بر آنها، مسبب ایجاد نقاط تصمیم‌گیری مناسب برای افرادی می‌شوند که در آن محیط مشغول جابه‌جایی‌اند.

ج) تأکید بر سلسله مراتب مکان: نشانه‌هایی مانند ساختمان‌های بارز، بویژه بناهایی که جایگاه شهری مشخصی دارند، کمک می‌کنند تا نقاط مرجع شکل بگیرند، که همین‌ها سلسله مراتب مکان را نشان می‌دهد (دیویس، ۱۳۸۴: ۶۱).

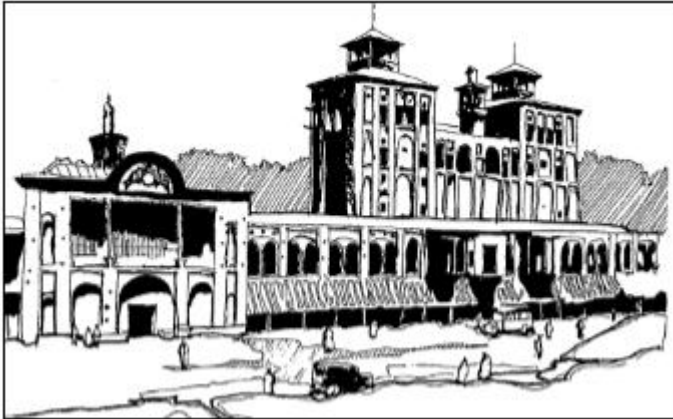
د) ایجاد خط آسمان: خط آسمان که از بام ساختمان‌ها پدید می‌آید، نه تنها جاذبه بصری را افزایش می‌دهد، بلکه وجود کاربری‌های خاص را نیز (مانند مراکز شهری) و تمرکز کاربری‌ها به ذهن القا می‌کند (پیشین: ۶۲).

۷- ویژگی نشانه‌های شهری

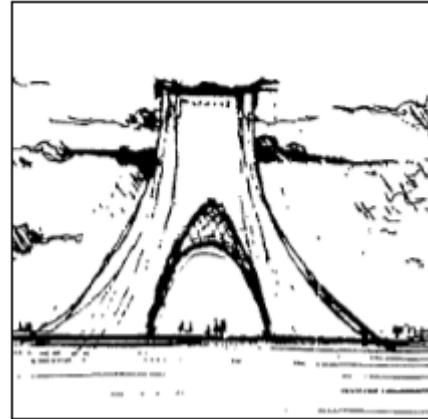
بناهای قدیمی [مجموعه‌های تاریخی، یادمان‌ها، ...] هر یک دارای ویژگی‌های فرهنگی - هنری خاص خود هستند و فضای اجتماعی منطقه متعلق به خود را معرفی می‌کنند. آنچه می‌تواند در مجموعه‌های ساخته شده، وسیله انتقال اندیشه‌ها و تداوم تفکرها و سنت‌های محلی محسوب شود، بخش لاینفک موجودیت معماری نیز هست (فلامکی، ۱۳۸۶: ۸۱). در این میان، بازشناسی معماری‌های قدیمی، چه آنها که برجسته‌تر و به عنوان یادمان‌ها، منومان‌ها یا بناهای تاریخی ارزشمند مورد نظرند و چه بناهایی که تحت عنوان معماری بومی مطرح می‌شوند، گذشته از اینکه خود گشاینده مسائل متعددی در فرهنگ معماری سرزمین‌هاست، پایه لازم و ابزاری بی‌جایگزین برای تدوین هر نظریه‌ای است که مبنای روش باززنده‌سازی معماری قرار می‌گیرد (پیشین: ۴). بنابراین عناصر هویت‌بخش شهر نه تنها به علت تأثیر

بصری‌شان و ایجاد خاطره و تصاویر ذهنی از شهر اهمیت دارند بلکه در صورت ساماندهی در یک شبکه - استخوانبندی شهر - قادرند به روابط شهری بین مردم نیز انتظام بخشند (□). از نظر لینیچ نشانه‌های شهری در ذات خود دو ویژگی اصلی را شامل می‌شوند [۱۰].

الف) منحصربه‌فرد بودن: این ویژگی که در تقابل با محیط است، نشانه را از بعد بصری در محیط آن برجسته می‌سازد (تصویر شماره ۳).
 ب) برجستگی: هنگامی رخ دهد که ساختمان معینی را بتوان از مکان‌های مختلفی مشاهده کرد، و یا استقرار آن در محل تقاطع چند مسیر، در کانون توجه قرار گیرد (تصویر شماره ۴).



شکل ۴- بنای شمس‌العماره در تهران (ارزش منحصربه‌فرد بودن یک نشانه)



شکل ۳- برج آزادی تهران (ارزش منحصربه‌فرد بودن یک نشانه)

البته از دیگر ویژگی‌هایی که پژوهشگران در دهه‌های اخیر برای نشانه‌های شهری مطرح کرده‌اند؛ می‌توان به: میزان در دسترس بودن نشانه‌ها، محتوا و عملکرد آن‌ها اشاره نمود [۴]. اما آنچه که در تمامی تعاریف و ویژگی‌شان، مشترک به‌نظر می‌رسد این است که؛ تمامی آن‌ها نشانه‌های شهری را عناصر، بنا یا قسمتی از بنا می‌دانند که یک بنا را علامت‌گذاری می‌کند و به‌عنوان یک نقطه مرجع مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم الزام برجستگی یا تمایز عارضه‌ای در یک مکان یا یک منظر را جهت نشانه بودن مطرح می‌نماید.

۸- تأثیر تحولات شهری (معماری مدرن) در سازمان فضایی و ساختار کالبدی قدیمی شهر

سالیان دراز انسان‌ها می‌ساختند و می‌زیستند بی‌آنکه از معماری، به جز معماری، انتظاری داشته باشند. اگر عظمتی، حقارتی، خشونت و لطافتی در معماری مشاهده می‌شد نه یک امر عَرَضی، بلکه جلوه‌ای از ذات معماری بود. عطوفت یک مسکن و صلابت یک قلعه چیزی جدای از معماری آنها نبود. زیرا معماری سنتی ایران، به‌دلیل داشتن پشتوانه فرهنگی و اعتقادی، از اصول فلسفی برخوردار است و در مواردی که در زمان پیدایی خود نیازهای فیزیکی و کاربردی جامعه را برآورده می‌کرده از سایر اصول نیز بهره می‌گرفته است. در قرن اخیر طراحان، بتدریج نظم طراحی را از جنبه‌های زیباشناختی به سمت عملکردگرایی تعریف کرده و از زیباشناسی تزئینی به سمت زیباشناسی معنادار حرکت داشته‌اند. اما در معماری ایران که با نفوذ معماری مدرن، وحدت و انسجام پیشین را از دست داده بود، چهره شهرها به روزشمار تحولات معماری تبدیل گردید لذا معماری معاصر، سرگردان در این ورطه متشتت آرا و اندیشه‌ها توان کافی برای تشخیص سره از ناسره را از دست داد [۲] زیرا تحولات و دگرگونی‌هایی که در معنا و مفهوم معماری در این عصر رخ داده است، تابعی از سیر تحولات فکری تمدن معاصر است، که با علم تجربه‌گرا و تفکر راسیونالیستی مدرن رایج، جنبه معنوی و روحانی حیات انسان و اصولاً وجه معنوی عالم وجود را انکار می‌نماید [۱۲]. همچنین بر اثر توسعه مداوم اما پراکنده و بی‌سازمان شهرها، الگوی سازمان فضایی شهر و استخوانبندی اصلی آن دگرگون گشته و مراکز آنها به سمت حواشی رانده شده و به دنبال آن سازه‌های ارتباطی و ناپیدای شهر و

زنجیره زندگی در شهر سنتی از هم گسیخته شده است و عناصر شهری ضروری برای زندگی اجتماعی و اقتصادی جدید، متحول و متنوع گردیده. بر این منوال در روند گسترش شهر، ساختمان‌هایی مثل مساجد و بناهای عمومی دیگر که در گذشته بر اساس ویژگی یادمانی خود به شهرها هویت می‌بخشیدند، اکنون در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. زیرا دیگر مرتفع‌ترین بناهای شهر نیستند و اثر مستقیم آنها بر مردم در حال تضعیف است و با از دست دادن مقیاس مناسب خود در رابطه با شهر، عملکرد آنها به عنوان نشانه نیز رو به زوال است. این بناها، ریتم شهری را کنترل و ویژگی خود را در شهر منعکس می‌کردند. اکنون افق شهری محدبی که برجسته‌ترین نقاط آن، ساختمان‌های یادمانی بود جای خود را به منحنی مقعری داده است که در زیر آن، ساختمان‌های مذکور به ابنیه‌ای کوتاه و بی‌اهمیت بدل گشته‌اند. همچنین گونه‌گونی شکل بناها و هزار چهره بودن شهر شاید به این دلیل که هدفی که معماری بخاطر آن قرار بود بوجود آید؛ از یاد رفته، از سوی منتقدان به بی‌هویتی معماری تعبیر شد [۵]. به بیانی دیگر، هرگاه پدیده‌ای در اثر تحول تاریخی خاص خود دچار دگرگونی شود، شکل جدید پدیده از انسجام، همبستگی، انتظام و اعتبار برخوردار می‌گردد و نظم جدید را از دل سازمان کهن جوانه خواهد زد. قطع این فراگشت در نقطه‌ای و مداخله در کنش‌های درونی به منظور دستیابی به شکلی جدید، اگرچه ممکن است چهره‌ای تازه و معنایی دیگر را برای پدیده سبب شود ولی بی‌گمان این همانی نیست که می‌بایست از دل تحول تاریخی به دست می‌آید. تقابل و تعارض بین شکل جدید و سیمای کهن نتیجه منطقی قطع فراشد تاریخی است. با این حال رشد شهر از درون (با رویکرد نشانه‌شناسی)، هیچ‌گاه به معنای حذف توسعه برونی نبوده و نیست بلکه این رشد خود انتظام‌بخش آن توسعه بوده است. رشد شهر از درون، بستری خواهد بود که در آن نوگرایی و نواندیشی در عین پاسداری از مفاهیم کهن، چهره شهر را دگرگون کرده و شهری می‌سازد که در آن حیات مدنی معنایی تازه می‌یابد. شهری که هسته تاریخی آن علاوه بر انباشت خاطره نسل‌های گذشته، خاطره نسل کنونی را نیز ذخیره خواهد کرد و به حیات خود در بستری متعالی ادامه خواهد داد.

۹- نتیجه‌گیری

یادمان‌ها و نشانه‌های (تاریخی) شهر که نمود بارزی از نظام شهرسازی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است حامل خاطره جمعی شهروندان است و زوال آن، حیات مدنی شهر و شهروندان را تضعیف می‌کند و رشته‌های پیوند با گذشته تاریخی را می‌گسلد. افزون بر آن، استخوانبندی اصلی و در پی آن نشانه‌های شهری، عنصری پیشگام در هدایت نقش‌های اقتصادی و فرهنگی و هویت‌بخشی به شهر است و تجدید حیات آن به سراسر شهر اعتبار و توان توسعه می‌بخشد. برای گریز از این شهر، لاجرم تفکری دیگر می‌باید، تفکری که «شهر - مکان» را به «شهر - زمان» تبدیل کند، خطر را با خاطره جایگزین سازد و یاد روزگاران گذشته را با حال و هوای امروزی درآمیزد. همچنین برای افزایش دلبستگی شهروندان به نشان‌های شهری و بدنبال آن شهر و آگاهی عمومی آنان از محیط شهری (که بر اثر بی‌توجهی به ساختار کهن شهر تضعیف گردیده و بر رفتارهای اجتماعی و سهولت انجام فعالیت‌ها موثر واقع می‌شود) ضروری است که از طرق ساماندهی محیط کالبدی اقدام شود. ساماندهی استخوان‌بندی اصلی شهر، فرصتی پدید می‌آورد که تمام عملکردهای شهری و انواع ارتباطات انسانی در یک شبکه درهم تنیده و نزدیک به هم قرار گیرند. این ساماندهی زمانی موفق خواهد بود که با تکیه بر یک پیوند نامرئی و متقابل شهروندان و دلبستگی‌های آنان به ارزش‌های فرهنگی و بصری شهرشان صورت گیرد. لذا با توجه به ساماندهی نشان‌های شهری در استخوان‌بندی اصلی شهر به عنوان یک ایده که به منزله یک روش آزمون شده نه تنها در نقاط مختلف جهان در طول تاریخ، بلکه در شهرهای سنتی ایران هم به شمار می‌رود؛ با ایجاد استخوانبندی ثابت، پایدار و متداوم شهر، پیوند گذشته، حال و آینده فرهنگ جامعه برقرار گشته، معیارها و ارزش‌های نسل‌های پشت‌سرهم، به هم متصل و منتقل می‌شود. برای دستیابی به چنین مراکز سرزنده‌ای،

تعریف دوباره‌ای از هم‌پیوندی شهر با هسته و ساختار کهن آن لازم است تا امکان تداوم و تغییر متکی بر ساختار تاریخی را فراهم آورد و در پیوند با دیگر کانون‌های فعالیتی شهر، نقش آن را در چارچوب توسعه متوازن شهر تعریف کند.

۱۰- فهرست منابع و مراجع

۱. انصاری، حمیدرضا (۱۳۸۴)، آفرینش اثر معماری: بنیان‌ها و سویه‌ها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۱
۲. آیوازیان، سیمون، حفظ ارزش‌های معماری سنتی، در معماری معاصر ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲
۳. پرتوی، پروین (۱۳۸۲)، مکان و بی‌مکانی، رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴
۴. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۰)، درآمدی بر گونه‌شناسی کالبدی نشانه‌های شهری در نقشه‌های ادراکی شهروندان، دوفصلنامه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، شماره ۷
۵. تقوایی، ویدا (۱۳۸۶)، نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۰
۶. حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷)، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵
۷. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶)، استخوانبندی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، شهرداری تهران
۸. دیویس، لولین (۱۳۸۴)، راهنمای طراحی شهری، ترجمه رضا رضایی، انتشارات: شرکت عمران شهرهای جدید تهران
۹. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۳)، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، دانشگاه تهران
۱۰. لینچ، کوین (۱۳۸۵)، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ هفتم، دانشگاه تهران، تهران
۱۱. میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳)، معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹
۱۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱)، تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۱
۱۳. وحدتی‌اصل، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، مجله هفت شهر، سال دوم، شماره چهارم

14.-Rapoport, A. (1990), "The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach", the University of Arizona Press, Tucson.

15.-Canter, D. (1971), "The Psychology of Place", the Architectural Press, London.

16.-Golledge, R.G. (1999) "Human wayfinding and cognitive maps", in: R.G. Golledge (Ed) wayfinding Behavior: cognitive mapping and Other Spatial Processes, pp5-45, Baltimore, MD: Johns Hopkins press.

